



An Analytical Study of the Function of Exaggeration in Children's Poetry

Case Study: Poems for Age Group "A"

Payam Foroghirad.¹ / Ramin moharrami² /

ARTICLE INFO	ABSTRACT
<p>Article History:</p> <p>Received: 30 June 2025</p> <p>Accepted: 24 september 2025</p>	<p>Beyond its aesthetic dimensions, exaggeration aligns closely with the cognitive development of children in age group "A" and plays a vital role in their emotional growth. Through mental imagery, it also serves as an effective tool for enhancing imagination and facilitating the understanding of complex concepts. Accordingly, this study explores the role and function of exaggeration in poems intended for children in age group "A," with the aim of highlighting the significance of this rhetorical device in fostering imagination, conceptual understanding, and cognitive development. Additionally, the research seeks to provide a foundation for creating literary content that aligns with children's psychological needs. The findings indicate that exaggeration can significantly contribute to cognitive development by employing mental imagery to improve language skills and critical thinking. The main techniques of exaggeration observed in children's poetry include: magnification or minimization of characters, exaggeration of actions, depiction of impossible combinations, amplification of emotions, and more. This study employs a qualitative methodology and conducts a detailed analysis of poems targeted at age group "A."</p>
<p>KEYWORDS: Exaggeration, Personification, Cognitive Development, Children's Poetry, Rhetorical Function.</p>	

1 . PhD in Persian Language and Literature, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil,Iran. (**Corresponding Author**)// foroghirad@uma.ac.ir

2. Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil,Iran.//

. E-mail: moharami@uma.ac.ir



فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون

دوره ۹، شماره ۲ پیاپی ۳۱، تابستان ۱۴۰۵

WWW.QparsI.ir



10.22034/caat.2025.534207.1145

۱۴ صفحه: از ص ۴ تا ص ۱۸

ISSN: 27834166

بررسی کارکرد اغراق در شعر کودک (مطالعه موردی: اشعار گروه سنّی «الف»)

پیام فروغی راد^۱، دکتر رامین محرمی^۲

چکیده

اغراق، افزون بر جنبه‌ی زیباشناختی آن، با رشد ذهنی کودکانِ گروه سنّی «الف» ارتباط و همسویی داشته، و نقش اساسی در رشد عاطفی آن‌ها دارد؛ همچنین، از طریق تصویرسازی‌های ذهنی، ابزاری مؤثر در راستای تقویت تخیل و درک مفاهیم پیچیده است؛ بر اساس این، در پژوهش حاضر، به بررسی نقش و کارکرد اغراق در شعر کودکانِ گروه سنّی «الف» پرداخته شده، تا از سویی به اهمیت کاربرد اغراق - به‌عنوان ابزار مؤثر بلاغی - در تقویت تخیل، درک مفاهیم و رشد ذهنی کودکان پی برده شود و از سویی دیگر، زمینه‌ای برای تولید محتوای ادبی متناسب با نیازهای روانی کودکان ایجاد گردد. نتایج پژوهش، بیانگر این است که اغراق، می‌تواند در خدمت رشد شناختی قرار گیرد و با تصویرسازی‌های ذهنی، سبب درک مهارت‌های زبانی و تقویت تفکر گردد. مهم‌ترین شگردهای اغراق‌آفرینی در شعر کودک عبارتند از: بزرگنمایی و یا کوچک‌نمایی شخصیت‌ها، اغراق در کردار، توصیف ترکیب ناممکن، اغراق در بیان احساسات و ... این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل اشعار گروه سنّی «الف» انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: اغراق، جان‌بخشی، رشد شناختی، شعر کودک، کارکرد بلاغی.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول) foroghirad@uma.ac.ir

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. kh.asadollahi50@gmail.com

شعر کودک، دریافت تازه‌ای از جهان را ارائه می‌دهد و مخاطب می‌تواند شریک احساسات، تجربه‌ها و دیدگاه‌های شاعران باشد. (نورتون، ۱۳۸۲: ۳۴۶) از آنجایی که دنیای کودک با تصویرهای ذهنی او شکل می‌گیرد، قدرت تخیل، تصویرسازی، همانند‌انگاری و مشابه‌سازی در او قوی است و به خاطر همین قدرت خلاقه در تصویرسازی و همانند‌انگاری است که مصادیق و مفاهیم گوناگون معنوی و انتزاعی را از طریق شعر می‌توان به او فهماند. (صرفی و هدایتی، ۱۳۹۲: ۷) و در این راستا، اغراق، ابزار و شگردی هنرمندانه برای نمایش خواسته‌ها و نیازهای کودکان است.

بر اساس دیدگاه ژان پیاژه، اغراق در مرحله‌ی پیش‌عملیاتی (سنین دو تا هفت سالگی) شکل می‌گیرد که مطابق تقسیم‌بندی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، گروه سنی «الف» کودکان قبل از دوره‌ی دبستان را شامل می‌شود. کودکان در این دوره، اندیشیدن، یعنی استفاده از نمادها، خیال‌پردازی، بازی‌های ذهنی، تصوّرهای درونی را یاد می‌گیرند که می‌تواند به رشد و شکوفایی ذهن کودک کمک کند. در این مرحله، کودک به اعتبار جاندارپنداری، اشیاء و پدیده‌ها را زنده می‌انگارد و می‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند؛ بنابراین، در این دوره، خیال‌پردازی شکل می‌گیرد؛ زیرا کودکان در این سن و سال، توانایی تفکر منطقی را ندارند و همه‌ی یافته‌های خود را از صافی ذهن خیال‌پردازانه‌ی خود می‌گذرانند و برآیند آن را به عنوان واقعیت می‌پذیرند؛ اما نه واقعیت منجمد و ایستا؛ بلکه واقعیتی همچون وجود و خیالشان سیال و کم دوام که با اندک جریانی مجدداً از نو خود را در معرض یافته‌های جدید قرار داده و تغییر می‌کند. (زندن، ۱۳۸۳: ۱۱) همچنین، در این دوره، کودکان خود محور هستند؛ البته نه از لحاظ اخلاقی؛ بلکه صرفاً از لحاظ روان‌شناختی؛ یعنی همه‌ی پدیده‌ها را صرفاً از دیدگاه خودش تعبیر و تفسیر می‌کند. (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸۰) این عوامل سبب می‌شود شاعر با نگرشی کودکانه پدیده‌ها را تفسیر کند و با خودمحور پنداری کودکانه، از اغراق بهره‌گیری.

دلیل توجه به تقسیم‌بندی گروه‌های سنی در پرداختن به تصاویر بلاغی، به ویژه اغراق، در این است که کودکان در هر دوره‌ای از زندگی‌شان، با توجه به رشد ذهنی، شعر و ادبیات خاصی دارند؛ بنابراین، شاعر باید با توجه به گروه سنی، زبان و ادراک گروه‌های مختلف سنی، و روش‌های مختلف تأثیر شعر بر گروه‌های مختلف سنی آشنایی داشته باشد؛ زیرا بر اساس یافته‌های علم روان‌شناسی، آثار مستند، به ویژه شعر و داستان، زمانی می‌تواند کارآیی بهتری در پاسخگویی به نیازهای شناختی، احساسی و عاطفی داشته باشد که متناسب با سطح درک کودک باشد. (قزل‌ایاغ، ۱۳۹۲: ۲۳) اغراق در شعر کودک، ناشی از نگرش کودک به محیط اطراف است که همه چیز را بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از آنچه هست، می‌بینند؛ دلیل این امر، به ویژه در سنین پایین‌تر، عدم توانایی طبقه‌بندی پدیده‌ها است؛ لذا برخی از اغراق‌ها در شعر کودک، به عنوان بخشی از واقعیت‌های کودکانه پذیرفته می‌شود و در راستای لذت ادبی کودک و همسویی با تفکر او استفاده می‌شود و به تقویت زبان هنری و گسترش ابعاد زیبایی‌شناختی آن کمک می‌نمایند. (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۳۸۵) با توجه مطالب ذکر شده، این پژوهش در پی پاسخگویی به دو سوال بنیادین زیر است:

۱- با بهره‌گیری از چه شگردهایی می‌توان اغراق را برای کودکان جذاب کرد؟

۲- اغراق چه کارکردی در شعر کودک دارد؟

۲-۱- ضرورت پژوهش و روش‌شناسی

اغراق، به عنوان یکی از عناصر برجسته‌ی بلاغی، نقش اساسی در فرآیند رشد شناختی، تقویت تخیل کودک و انتقال مفاهیم به آن‌ها دارد؛ همچنین، به عنوان ابزار هنری، پاسخگوی نیازهای عاطفی کودکان است. با وجود این، در پژوهش‌های حوزه‌ی ادبیات کودک، کمتر به آن پرداخته شده است؛ از این رو، در پژوهش حاضر، تلاش شده است که با واکاوی نمونه‌هایی از شعر کودک، به نقش و کارکرد اغراق در رشد شناختی، فرآیند آموزشی و تقویت التذاذ ادبی کودکان پرداخته شود.

این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و برای دستیابی به هدف تحقیق، پس از مراجعه به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق که در قالب آثار پژوهشی (اعم از کتاب، مقالات علمی و...) انتشار یافته بودند، اطلاعات مورد نیاز با روش سندکاوی فیش‌برداری شده و سپس مطالب مرتبط با موضوع استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳-۱- پیشینه‌ی پژوهش

با وجود اینکه در چندین پژوهش، شعر کودک با رویکردهای بلاغی به صورت علمی مورد واکاوی قرار گرفته است، در ارتباط با حوزه‌ی اغراق، تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ با وجود این، از پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی اغراق در تصویرسازی کتاب‌های کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ گروه سنی دبستانی پروژه عملی: تصویرسازی داستان روباه دم بریده» (بهمنی دهکردی: ۱۳۹۰) به بررسی اغراق در تصویرسازی کتاب‌های کودکان به عنوان عاملی موثر در ایجاد فضای خیال انگیز در تصویر پرداخته است و هدف اصلی آن، پیدا کردن یک تعریف صحیح برای اغراق در تصوی سازی کتاب کودکان و شناخت ویژگی‌ها و اصول اغراق در تصویرسازی کودکان است. بر اساس این پژوهش، اغراق در ساختار طراحی شخصیت‌ها، بیشتر به شکل ساده‌سازی و کودک‌نمایی است و همین طور در ترکیب بندی و فضا سازی تصاویر نیز با استفاده از عناصر تصویری و بصری اغراق وجود دارد.

در بخشی از مقاله‌ی «زیبایی‌شناسی شعر کودک با محوریت آثار شعبان‌نژاد، کیانوش و کشاورز» (صیادی دریاکناری و همکاران: ۱۴۰۱) آمده است که کودک و نوجوان به اقتضای سن خود خیال می‌بافند و در خیال‌بافی خود هر چیزی را بزرگ جلوه می‌دهند و به وجد می‌آیند. برای آن‌ها غیرممکن‌ها هیجان‌آور است.

اغراق، اگرچه بر اساس صاحب‌نظرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، به دلیل عدول از ممکنات به محال، خرافات خوانده شده است، (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۳۲) بستری پویا و خیال‌انگیز در نهادینه‌سازی مفاهیم گوناگون و تقویت حس زیبایی‌شناختی کودکان است که می‌تواند جهانی تازه برای آن‌ها ترسیم کند. در این بخش، ابتدا با طرح شگردهای اغراق‌آفرینی - به عنوان ابزاری برای خلق معنا و تصویر، به تحلیل ساختارهای زبانی و تصویری پرداخته خواهد شد و سپس با هدف تبیین جایگاه اغراق به عنوان عنصری هنرمندانه در شکل‌گیری و نمایش جهان‌بینی کودک، کارکردهای اغراق مورد تحلیل قرار خواهد گرفت:

۲-۱- شگردهای اغراق‌آفرینی

همسویی اغراق با جهان‌بینی خاص کودکان، زمینه‌ای مناسب برای بروز احساسات و تفکر آن‌هاست که سبب ایجاد ارتباط عاطفی کودک با محیط پیرامون می‌شود. این همسویی با بهره‌گیری از شگردهای اغراق‌آفرینی در شعر ایجاد می‌گردد که عبارتند از:

۲-۱-۱- شخصیت‌بخشی

شخصیت‌بخشی، عبارت از گرایش کودک در زنده و هوشیار دانستن موجودات بی‌جان است. براساس این گرایش، اجسام موجودات زنده و صاحب‌اراده به‌شمار می‌آیند. جان‌دارپنداری ساده‌ترین نوع درک جنبش‌هاست؛ جنبش‌هایی که دارای هدف و مقاصدی هستند. مثلاً حرکات منظمی که در طبیعت مشاهده می‌کنند، (مثل طلوع و افول خورشید) ناشی از زنده بودن عوامل طبیعت تلقی می‌شود (منصور و دادستان، ۱۳۸۵: ۲۴۱) بر اساس دیدگاه پیاژه، کودکان در مرحله‌ی پیش‌عملیاتی به دلیل خود میان‌بینی، پدیده‌ها را از دیدگاه خود تفسیر می‌کنند؛ لذا پدیده‌ها را زنده می‌پندارند و به تبع آن تشخیص در شعر این گروه سنتی بازتاب بیشتری دارند. (شریفی و حامدی شیروانی، ۱۳۸۹: ۴۷) شاعر، در اشعار این گروه سنتی، به اشیاء و پدیده‌های بی‌جان حس و حرکت می‌بخشد؛ به گونه‌ای که همه چیز در مقابل خواننده سرشار از زندگی می‌شود و پیوندی بین قوه‌ی خیال شاعر و این عناصر برقرار می‌شود و زیباترین صورت خیال یعنی تشخیص، به این ترتیب شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، دنیای شاعر شباهت زیادی به دنیای کودک دارد؛ زیرا هر دو دنیا و پدیده‌های آن را زنده می‌پندارند؛ بنابراین، کودکان می‌توانند با اشعاری که در آن‌ها تشخیص به کار رفته است، ارتباط معناداری پیدا کنند و با آن همسویی داشته باشند. از ویژگی‌های اساسی شخصیت‌بخشی در اغراق این است که دامنه‌ی خیال کودکان را گسترش می‌دهد و باعث پرورش و رشد تخیل می‌شود؛ در شعر زیر، تبدیل بادبادک به پرنده، از تصورات کودک در پیش‌عملیاتی به شمار می‌آید:

باد که می‌آد بادبادکم می‌خنده / باز میشه یک پرنده / از روی بام خونمون / پر می‌زنه به آسمون. (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۵)

در شعر گروه‌های سنتی الف، به هنگام شخصیت‌بخشی اغراق‌آمیز به اشیاء، اغلب به ویژگی‌ها و رفتار ظاهری موجودات زنده اشاره می‌شود؛ از این روی که مخاطب، هنوز با مفاهیم انتزاعی‌اشناایی چندانی ندارد؛ همان‌گونه که در شعر زیر «خوابیدن» به خورشید نسبت داده شده است:

قورباغه‌ها: قور قور / خورشید خسته خواب است / شب می‌رسد از دور. (کیانوش، ۱۳۸۲: ۴۲)

۲-۱-۲- مقایسه

فرق‌ها و شباهت‌ها، درجات و مراتب امور با مقایسه مشخص می‌شود. حد و مرز هر مفهومی را تبیین می‌کند. مثلاً روز در مقایسه با شب و زمستان در مقایسه با تابستان می‌تواند معنی پیدا کند. گاه ممکن است در مقایسه، ظواهر امور در نظر گرفته شود؛ اما گاهی هم به جای توجه به ظواهر و جزئیات، منش‌ها با یکدیگر مورد مقایسه قرار می‌گیرند. فایده‌ی مقایسه از این جهت است که معانی را روشن و مفاهیم را محسوس و ملموس می‌سازد. مقایسه، از این جهت برای گوارا ساختن مطالب برای اذهان بسیار دستگیر است (سمیعی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۱۴۹). مقایسه، ابزاری خلاقانه و مؤثر در اغراق است. شاعر حوزه‌ی کودک، با قرار دادن دو پدیده در کنار یکدیگر، و نشان دادن شباهت میان آن دو، بستری مناسب برای اغراق ایجاد می‌کند. در شعر زیر، شعر با مقایسه‌ی ضمنی عروسک و لاله، به هم‌ذات‌پنداری اغراق‌آمیز پرداخته و فضای عاطفی خلق کرده است:

عروسک مانده تنها/ نشسته توی خانه/ نکرده موی او را/ کسی در خانه، شانه/ دلش خیلی گرفته/ نشسته پشت پرده/ برای لاله انگار/ کمی هم گریه کرده/ چرا مانند هر روز/ کسی در فکر او نیست؟/ چرا از خاله بازی/ اتاق لاله خالی است؟/ نمی‌داند که لاله/ شده شش ساله حالا/ نمی‌داند که رفته/ بخواند درس خود را/ عروسک جان چه می‌شد/ تو هم شش ساله بودی/ خودت هم در دبستان/ کنار لاله بودی. (شعبانی، ۱۳۷۵: عروسک لاله)

در شعر زیر، کودک با مقایسه‌ی لباس خود و لباس عروس و بهره‌گیری از عباراتی همچون «شکستن دل» و «سوختن دل» فضای عاطفی را به تصویر کشیده است:

پدر برایم امروز/ لباس نو خریده/ ولی هنوز آن را/ عروسکم ندیده/ عروسک من امشب/ کمی دلش شکسته/ نمی‌رود بخوابد/ کنار من نشسته/ لباس نو ندارد/ برای روز عیدش/ زده هزار وصله/ به دامن سفیدش/ دل عروسک من/ خدا کند نسوزد/ که مادرم برایش/ لباس نو بدوزد. (شعبانی، ۱۳۷۵: عروسک لاله)

۲-۱-۳- بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی شخصیت‌ها

بزرگ‌نمایی شخصیت‌ها، حاصل آمیختن واقعیت با تخیل است که به منظور معرفی الگوهای رفتاری، تقویت تخیل کودک، سرگرمی، خلق شخصیت و ... صورت می‌گیرد. و این تخیل، بخشی از دنیای کودک را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت که کودکان گروه سنی الف، از آن جهت که تفکر منطقی ندارند، پدیده‌ها را بزرگتر و یا کوچکتر می‌بینند؛ همچنین، به دلیل خودمرکزبینی، عدم درک ثبات ویژگی‌های پدیده‌ها و تفکر جادویی، به توصیف اغراق‌آمیز پدیده‌ها می‌پردازند. در شعر زیر نیز، شاعر با کوچک‌نمایی خرس و تبدیل آن به تیله، به سرزنش تنبلی پرداخته است:

یه روز یه خرس تنبل/ دراومد از تو جنگل/ نشست به پشت فرمون/ گاز داد و رفت خیابون/ وقتی می‌رفت مثل باد/ دسته گلی به آب داد/ زد به ماشین فیله/ قل زد و شد یه تیله. (شعبانی، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

در این شعر، شاعر ابتدا با بزرگ‌نمایی به «رانندگی خرس و سرعت مثل باد» پرداخته و سپس با کوچک‌نمایی و تصویرسازی فانتزی و تبدیل خرس به تیله، در پی انتقال مفاهیم آموزشی به کودکان است. کاربرد این نوع توصیفات در شعر کودک، علاوه بر جذابیت، تأثیری عمیق در رشد شناختی کودکان دارد.

۴-۱-۲- بزرگ‌نمایی عددی

این شگرد اغراق‌آفرینی، اغلب با هدف ایجاد جذابیت و تقویت تخیل در شعر کودک به کار می‌رود. در شعر زیر، «هزاران»، در خدمت تداعی دوری مسیر و تقویت تصویر آفرینی قرار گرفته است:

بر تو ای کشتزار من سلام/ مهربان، مرا ببخش، دیر آمدم/ راه دور بود/ از هزاران پلکان کوه/ مدتی کشید تا به زیر آمدم. (کیانوش، ۱۳۹۳: ۸)

۵-۱-۲- اغراق در کردار

اغراق در کردار، اغلب با اهدافی چون شخصیت‌بخشی و برانگیختن تخیل در کودک به کار می‌رود و مخاطب در برخورد با این تصاویر هنرمندانه دچار التذاز می‌شود. این نوع اغراق می‌تواند در حرکات، صدا، حجم و ... نمایان شود:

غرش ببر مثل رعدی بود/ غرش او در آسمان پیچید/ حمله کرد او به سوی آن آهو/ آهوی بینوا به خود لرزید. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: بچه آهو)

۶-۱-۲- ترکیب ناممکن

در شگرد «ترکیب ناممکن»، دو امر ناسازگار و غیرممکن با هم ترکیب می‌شوند و تصویری نو را ارائه می‌دهند که از دید منطقی غیرقابل پذیرش است. در شعر زیر، این «گله‌ای از ابر/ آمد از دریا/ آسمان را خورد» ترکیب ناممکن به شمار می‌آید که با هدف اغراق در بیان ابری شدن آسمان به کار رفته است:

باد پاییزی، باد پاییزی/ باغ را هل داد/ برگ از این شاخه/ برگ از آن شاخه/ بر زمین افتاد/ سرخی گل را، شعر بلبل را / باد با خود برد/ گله‌ای از ابر، آمد از دریا/ آسمان را خورد. (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۴)

۷-۱-۲- اغراق در احساسات

در این نوع شگرد، احساسات و تجربه‌های عاطفی با بزرگ‌نمایی بیان می‌شود؛ از این جهت که «هنگامی که عاطفه‌ای مانند اندوه، شادی، عشق، نفرت و ... بسیار شدت و غلیان یافته باشد، بهترین وسیله تجسم بخشیدن به این گونه عواطفه، یاری گرفتن از اغراق است». (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۱۲۰) تا کودک بتواند این احساسات را با شدت بیشتری احساس کنند. در شعر زیر، «قطره‌های باران» با توصیف احساسی و اغراق‌آمیز، اشک بچه‌آهو دانسته شده است:

تیره‌تر می‌شد آسمان کم‌کم/ قطره‌های زلال از آن می‌ریخت/ شاید از چشم بچه آهوها/ اشک بر خاک، از آسمان می‌ریخت. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: بچه آهو)

در شعر زیر نیز، طلوع خورشید، خنده شمرده شده است:

خورشید زیبا هر سحر/ از خواب خوش پا می‌شود/ با خنده‌اش دنیای من/ رنگین و زیبا می‌شود. (شعبانی، ۱۳۷۹: من و خورشید)

۲-۲- کارکردهای اغراق در شعر کودک

شاعران، اغراق را -افزون بر تصاویر خیال‌انگیز- با اهداف خاصی در شعر کودکان گروه سنی الف به کار می‌برند که پی بردن به آن، می‌تواند برخی از زوایای پنهان نیازهای روانی، شناختی و آموزشی را آشکار کند و از این طریق، به اهدافی فراتر از زیبایی‌شناسی دست یافت که این اهداف، عبارتند از:

۱-۲-۲- تقویت تخیل

از ویژگی‌های اساسی اغراق این است که دامنه‌ی خیال کودکان را گسترش می‌دهد و باعث پرورش و رشد تخیل می‌شود؛ از این جهت که «تخیل قواعدی دارد که همه‌ی کودکان باید آن‌ها را بیاموزند تا بتوانند با موفقیت با آن بازی کنند و زندگی خود را بدیع خلق کنند. همه‌ی ما می‌کوشیم تا رویاهای زندگی خود را عملی کنیم.» (مهری، ۱۳۸۹: ۷۳) این تخیل‌آموزی و خلق زندگی بدیع از طریق اغراق میسر است؛ تخیلی که نمونه‌های آن را در شعر بزرگسالان نمی‌توان دید. قاسم‌نیا با توجه به تداعی‌های ذهنی کودک و با بخشیدن شخصیت‌های انسانی به حشرات، در تلاش است که تخیل کودک را تقویت کند:

تو باغچه‌مون عروسیه/ مهمونیه، رو بوسیه/ مورچه داره آش می‌پزه/ یه آش چرب و خوشمزه/ جیرجیرک
آواز می‌خونه/ قشنگ و با ناز می‌خونه/ عنکبوته تار می‌زنه/ تار می‌زنه، تار می‌تنه/ کفشدوزکای خال خالی/
دست می‌زنن با خوشحالی/ عروسیه، عروسیه/ عروس کیه؟/ سوسک سیاه عروسه/ چه خوشگل و ملوسه/ بادابادا
مبارکش باد/ دلش بشه شاد شاد(قاسم‌نیا، ۱۳۹۲: عروس کیه)

این شعر، حاصل روحیه‌ی خودمداری یا خود مرکزبینی کودک است که تا دوره‌ی نوجوانی نیز ادامه پیدا می‌کند. خودمداری در کودکی بسیار شدید است و به تدریج، با افزایش سن کودک کم‌تر می‌شود. خودمداری یا خودمحوری به معنای خودبینی یا خودپسندی کودک نیست؛ بلکه خودمداری به این معنی است که او نمی‌تواند بیش از یک دیدگاه را در نظر بگیرد و آن نیز دیدگاه خودش است و هر چیزی را از دیدگاه خود می‌نگرد. (مهری، ۱۳۸۹: ۷۵) در واقع کودکان ۲ تا ۷ ساله، به ویژه در سال‌های پایین‌تر قدرت این که خود را به جای دیگران قرار دهند و نقطه نظرات آنان را نیز مورد توجه قرار دهند، ندارند؛ بنابراین بر نقطه نظرهای خود تکیه می‌کنند و برخی از این نظرها، با شخصیت‌بخشی به موجودات همراه است که بازتاب آن در شعر، به تداعی خیال‌انگیز می‌انجامد.

۲-۲-۲- تقویت تفکر

توانایی در تفکر انتقادی، حل مسئله و تعقل مهم‌ترین و اساسی‌ترین هدف تربیت محسوب می‌گردد. (سیف، ۱۳۸۶: ۷۶) این توانایی در شعر کودک نیز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زمانی که کودک با مفاهیم پیچیده یا انتزاعی در توصیفات اغراق‌آمیز شعر روبرو می‌شود، به طرح پرسش می‌پردازد و در پی آن به مهارت پرسش‌گری دست می‌یابد و با تلاش برای پاسخ‌دهی، توانایی تجزیه و تحلیل مفاهیم پیچیده را در خود تقویت می‌کند؛ بنابراین، کاربرد اغراق در شعر کودک با ایجاد ظرفیت طرح پرسش و ترغیب مخاطب به تفکر، سبب تحرک ذهن کودک می‌شود. شاعران این حوزه، با بهره‌گیری از اغراق، به شیوه‌ی پرسش‌گری و ایجاد موقعیتی مناسب برای تفکر عمیق و تحلیل محتوا، مهارت‌های شناختی مخاطب را تقویت می‌کنند؛ به بیانی دیگر، تفکر انتقادی کودک را تحریک کرده و او را برای ارتباطی بهتر با دنیای پیرامون آماده‌تر می‌سازند. بخش دیگری از پرسش‌های اغراق‌آمیز که منجر به تفکر انتقادی می‌شود، در حوزه‌ی عاطفه قرار دارد. کودکان

عاطفه را محدود به بشریت نمی‌کنند؛ بلکه از دیدگاه آن‌ها اغلب موجودات عاطفه دارند. اگرچه روان انسان تحت تأثیر انگیزه‌های عینی و ذهنی دچار انفعال یا حالات گوناگونی از قبیل غم و شادی و مهر و خشم و اعجاب می‌شود. (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۵۷) اما کودکان بر این باور هستند که سایر موجودات نیز دارای حس عاطفی هستند. در شعر زیر، طرح پرسش‌های اغراق آمیزی از قبیل: «چرا نمی‌فهمیم/ غم پرستو را؟» به کودکان این فرصت را می‌دهد تا درباره‌ی احساسات و نگرانی همه‌ی موجودات فکر کند و احساسات نهفته در درون موجودات دیگر را درک کند؛ بنابراین با نگرش تفکر انتقادی کودکان، می‌توان گفت که نه تنها احساسات سایر موجودات را درک می‌کند بلکه در روابط انسان و طبیعت از همدلی و محبت بهره می‌گیرند. علت استفاده از مظاهر طبیعت برای تفکر انتقادی کودک، رابطه‌ی عاطفی کودک و طبیعت است. کودک هر چه خردسال‌تر باشد، انتزاع در زندگی او کمتر جای دارد و فقط می‌تواند آن‌چه را که با حواس پنج‌گانه‌ی خود حس می‌کند درک نماید؛ لذا برای القای مفاهیم انتزاعی و معنوی از دنیای پیرامون کودک (= طبیعت) گرفته می‌شود. (محمدبیگی، ۱۳۸۹: ۸۶)

چرا نمی‌فهمیم/ غم پرستو را/ چرا نمی‌دانیم/ غم دل او را/ چرا نمی‌دانیم/ کلاغ غم دارد/ محبت ما را/ همیشه کم دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۰)

این تفکر انتقادی حاصل از اغراق، سبب کشف حقیقت وجودی اشیاء شده است و در پی آن، کودک با گذر از درک ظاهری محیط، در ماورای آنچه می‌بیند به هدف غایی آفرینش پی ببرد:

گنجشک‌ها بر شاخه رویدند/ یک معجزه است این، ساده و زیبا/ خورشید لبخندی بر آن‌ها زد/ این هم دلیل روشنی بر ما/ ابر آمد و خورشید را پوشاند/ گنجشک‌ها از شاخه‌ها رفتند/ یک معجزه انگار پیدا شد/ خورشید و گنجشکان کجا رفتند؟/ زد رعد و برقی آسمان ناگاه/ در شهر، باران و تگرگ آمد/ باد آمد و طوفان و غوغا شد/ ناگاه گویی وقت مرگ آمد/ بعد از زمانی ابرها رفتند/ توفان وحشتناک هم خوابید/ در آسمان خورشید پیدا شد/ با مهربانی باز هم تابید/ هر یک از این‌ها معجزه است، آری/ هر یک از آن‌ها مثل یک پند است/ خورشید و باران و تگرگ و باد/ هر یک نشانی از خداوند است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۰)

۳-۲-۲- کارکرد شناختی

اغراق، گاه برای بیان و انتقال تجربه‌های روانی و شناختی به کار می‌رود و می‌تواند در شناخت مفاهیم انتزاعی یاریگر کودک باشد. در شعر زیر، افزون بر اغراق‌های به کار رفته در «گفتگو با باد و کوه»، «سکوت باد»، و «آواز رود»، اغراق در «نگاه با شکوه کوه به آسمان» کارکرد شناختی دارد:

نام تو را از باد پرسیدم/ چیزی نگفت/ آرام و ساکت و ماند/ نام تو را از رود پرسیدم/ با آن صدای جاری‌اش/ آوازهای کوچکی خواند/ نام تو را از کوه پرسیدم/ او با نگاه با شکوهش/ سر را به سوی آسمان برد. (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۱۲)

۴-۲-۲- تقویت عاطفه

هدف غایی شعر، انتقال عاطفه است. با توجه به اینکه هنر وسیله‌ی بیان عواطف و اندیشه‌های ناشی از این عواطف است هر اندازه در بیان و انتقال این عواطف و اندیشه‌ها موفق‌تر باشد، به غرض غایی و نقطه تعالی خود نزدیک‌تر شده‌است (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۳۶۵). کاربرد اغراق در شعر کودک، نمونه‌ی زیبایی از ابزار هنری است که به نیازهای عاطفی کودکان پاسخ می‌دهد و در نهایت، این عنصر جدایی‌ناپذیر شعر کودک، تأثیر فیزیولوژیک مثبت بر روان کودک می‌گذارد؛ به همین جهت، شاعران سعی می‌کنند بیشتر از عواطف و احساسات اغراق‌آمیزی بهره‌گیرند که در تقویت همدلی و ایجاد پیوند عاطفی به کودک کمک می‌کند. شعر زیر با بهره‌گیری از اغراق‌هایی همچون «پدر آفتاب خانه‌ی ماست»، «آفتاب پدر به من تابید» و ... «بار عاطفی مناسبی را القا می‌کند و پدر و نقش او را در خانواده روشن می‌سازد و همچنین حس قدردانی را در کودک و نوجوان پرورش می‌دهد.» (ذبیح‌نیا و بردخونی، ۱۳۹۴: ۲۳۹) و از این طریق روابط عاطفی پرورش می‌یابد:

بچه بودم که مادرم می‌گفت: / پدرت آفتاب خانه‌ی ماست؛ / دل ما روشن از محبت او / دل او خرم از ترانه‌ی ماست / حرف مادر درست بود؛ ولی / معنی حرف را نفهمیدم / سال‌ها رفت و من بزرگ شدم / بر سر درس و مشق کوشیدم / معنی حرف‌های سر بسته / پیش من مثل روز روشن شد / آفتاب پدر به من تابید / حرف مادر ترانه‌ی من شد / ای پدر! می‌ستایم امروز / چون که تو آفتاب جان منی / راه آینده را تو می‌سازی / همدم خوب و مهربان منی. (کیانوش، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

«مهربانی» از مهم‌ترین عواطفی است که برای نهادینه کردن آن در کودکان، به بهره‌گیری از اغراق و عنصر طبیعت پرداخته‌اند:

دلَم یک دوست می‌خواهد / که خیلی مهربان باشد / دلش اندازه دریا / به رنگ آسمان باشد (کشاورز، ۱۳۷۶: چکه‌ای آواز آواز، تکه‌ای مهتاب)

در ژرف‌ساخت شعر زیر - که بار عاطفی دارد - زندگی با توصیفی اغراق‌آمیز، به انسان تشبیه شده است. این نوع توصیف - که با تخیلات کودکان سازگاری بیشتری دارد؛ به این دلیل که در آن جاندارپنداری وجود دارد و جاندارپنداری اساس اصلی شعر کودک است و او به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند؛ زیرا در ذهن کودک خردسال همه چیز در دنیای پیرامونش جان دارد و حرف می‌زند.

از بوی گل‌ها پر شده / دنیای ما / لبخند خوب زندگی / پیداست بر گلبرگ‌ها. (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۲۲)

در ژرف‌ساخت شعر زیر، خورشید به انسانی تشبیه شده است که لبخند می‌زند. جان‌بخشی به خورشید - که از نمونه‌های اغراق است - در گفتار و نقاشی‌های گروه سنی الف نیز دیده می‌شود که حاصل تصورات آن‌هاست و اگر همراه با عواطف مثبت باشد، می‌تواند نقش به‌سزایی در تقویت عاطفه داشته باشد.

شب‌نم نشسته روی گل / باران شب بند آمده / خورشید از بالای کوه / با مهر و لبخند آمده. (ابراهیمی، ۱۳۷۵: ۲۳)

در شعر زیر، شاعر با استفاده از اغراق، و جان‌بخشی به موجود غیرزنده، عواطف خود را از زبان عروسک مطرح کرده است که از ناخودآگاه کودک سرچشمه می‌گیرد:

عروسک من امشب / کمی دلش شکسته / نمی‌رود بخواب / کنار ما نشسته / ... دل عروسک من / خدا کند نسوزد / که مادرم برایش / لباس نو بدوزد. (کشاورز، ۱۳۹۱: لباس نو)

۵-۲-۲- کارکردهای تربیتی

از آن جایی که بیشتر ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در دوران کودکی نهادینه می‌گردد و به تدریج به سوی متعالی‌تر پرورش می‌یابد، باید این‌گونه آموزش‌ها از دوران کودکی آغاز گردد که به دو روش مستقیم و غیر مستقیم امکان‌پذیر است. «روش غیر مستقیم تربیت، نسبت به روش مستقیم آن، در تغییر رفتار کودک و نوجوان تأثیر عمیقی دارد؛ به همین سبب، عموماً به آماده ساختن محیط مساعد و مناسب غیرمستقیم تربیت کودکان و نوجوانان تأکید فراوان شده است.» (امانی و آذر نوید، ۱۳۸۳: ۲۸) یکی از روش‌های آموزش ارزش‌های اخلاقی و تربیتی به کودکان، استفاده از ابزارهای هنری همچون اغراق در شعر است که با اهدافی همچون سازندگی، تربیت حس انسان دوستی، برابری و برادری، آزادی و عدالت میان انسان‌ها، نژادها، رنگ‌ها، زبان‌ها، جنس و فرهنگ‌های گوناگون به کار می‌رود. (میرکازمی، ۱۳۵۵: ۶۳) از همین رو، اغراق‌های شاعرانه در شعر کودک «اگر سنجیده انتخاب شود، پرورنده‌ی روح اوست؛ گسترنده‌ی ذهن اوست و نگاه‌دارنده‌ی او در مسیر سلامت که طبیعت او را ارزانی داشته است.» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۰۳) استفاده از فابل، شخصیت‌بخشی به عناصر طبیعت و ... روش‌های اغراق هستند که می‌توان از آن‌ها در آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی به کودکان استفاده کرد. در شعر زیر، بهره‌گیری از اغراق، روشی مناسب برای نهادینه کردن خوش‌اخلاقی در کودکان است.

تو با این اخم ابری / هوا را تار کردی / به روی من دو باره / با یک کبریت خنده / چراغ چشم‌ها را / بکن روشن دوباره (کیانوش، ۱۳۸۲: ۵۶)

کشاورز، با به کار بردن عبارت اغراق‌آمیز «صدتا دوست دارم» محبت و دوستی را در کودکان نهادینه کرده است:

قدّ صد تا دریا / دوست دارم او را. (کشاورز، ۱۳۹۴: آب، بابا، ماما)

۶-۲-۲- بازی و سرگرمی

بازی، در شعر کودک و نوجوان نمودهای گوناگونی داشته و از دیدگاه‌های مختلف قابل طرح و تفسیر است. این نوع سرگرمی در برخی از موارد، صرفاً نمودار بازی‌های کودکانه جهت پر کردن اوقات فراغت است که از دنیای واقعی کودکان به شعر راه یافته و با توصیف‌های اغراق‌آمیز همراه شده است. بازی به معنای واقعی خود در اشعار گروه‌های سنی پایین بیشتر دیده می‌شود. در شعر گروه‌های سنی الف، تخیل قوی کودک، به او این امکان را می‌دهد که به موجودات غیرزنده شخصیت انسانی دهد و بازی‌ها را با جان‌بخشی به اشیاء همراه سازد. در شعر زیر، بادبادک، با اغراق، پرنده‌ای فرض شده است که دارای کله و دم است:

بادبادک سفیدم / باد که آمد هوا رفت / کله و دم تکان داد / یواش یواش بالا رفت. (کیانوش، ۱۳۸۲: ۱۶)

از ویژگی‌های مهم دوره‌ی پیش‌عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)، همراه بودن توانایی‌های کودک با یادگیری عمل نمادها است که در بازی کودک تجلی می‌کنند و مثلاً شکل تقلید تأخیری و بازی نمادین به خود می‌گیرند و همراه با اغراق هستند که بازتاب آن در شعر کودک، خیال‌انگیز است.

کودک می‌تواند یک موقعیت واقعی راه، در غیاب الگو، تقلید کند: کودکی که با تلفن اسباب‌بازی وانمود می‌کند که با مادر بزرگ حرف می‌زند. در بازی نمادین، کودک به یک شیء، نقش شیئی دیگر را اختصاص می‌دهد؛ مثلاً از قوطی خالی، اتومبیل و از چوب دستی برای خود اسب درست می‌کند. این رفتارهای نمادین مختلف به یکدیگر وابسته‌اند. (زندن، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۲۲)

این نوع بازی، از نمودهای مهم رشد ذهنی کودک است. اغراق در بازی نمادین هم تقلید است و هم نخستین نمونه‌ی بیان هنری که مخاطب آن خود کودک است؛ نیز، در این دوره که مهارت زبانی رشد کافی نکرده است، نوعی کارکرد معنایی و انتقال معنا را در بردارد. (پولادی، ۱۳۸۷: ۱۴۸) با ظهور بازی نمادین، کودک می‌تواند رویدادها را به خاطر بیاورد و مجسم کند. در این هنگام، تقلید معوق (تقلید در غیاب مدل) ظاهر می‌شود و کودک با استفاده از «نماینده»، شیئی را جانشین شیئی دیگر (نموده) می‌کند. (پیاژه، ۱۳۸۲: ۱۱) سوار شدن بر اسب چوبین و گشت و گذار با آن از نمونه‌های بارز اغراق و تداعی خیال‌انگیز است:

با اسب چوبی خود/ می‌تاختم به هر جا/ هی‌هی کنان و خوشحال/ دل می‌زدم به صحرا. (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ص وقتی که بچه بودم)

در این شعر نیز، کودک، «آلا کلنگ» را با اغراق، تصویری خیالی از «اسب» قرار داده است و این امر نشانگر قدرت تداعی و تخیل کودک است:

سلام، سلام و صد سلام/ آلا کلنگ خوب ما/ وقتی که من سوار می‌شم/ بالا برو و پایین بیا/ اسب قشنگ من تویی/ مرا ببر به آسمان. (رحماندوست، ۱۳۸۹: ۱۲)

در گاهی موارد، کودک، در بازی نمادهایی را به کار می‌برد که معنای آن را نمی‌داند و اغراق یکی ویژگی‌های رایج در آن است؛ زیرا توانایی کودک در بازنمایی جهان در ذهن را نشان می‌دهد. برای مثال، کودک به برادری که تازه متولد شده است، حسادت می‌کند؛ لذا هنگامی که با دو عروسک بازی می‌کند، عروسک کوچکتر را به مسافرت می‌فرستد و بزرگتر را نزد خود (یعنی مادر) نگه می‌دارد. در این جا فرض است که کودک به معنای نمادهایی که به کار می‌برد، آگاهی ندارد و نمی‌داند که منظورش از عروسک کوچک، برادر کوچک و عروسک بزرگتر، خودش است. این گونه نماد را نماد ثانوی می‌نامند. (پیاژه، ۱۳۸۲: ۲۵۹) این گونه تصویرها و نمادهای اغراق‌آمیز، ارتباط تنگاتنگی با حالات عاطفی و فکری کودک دارد و کودک را به فراسوی خودآگاهی می‌کشاند و همچنین در بازی نمادین، هر شیئی می‌تواند نماینده یا جانشین شیئی دیگر شود و بدین ترتیب کار تخیل را آسان سازد:

در دل کوچک خود/ باغی از گل دارم/ توی باغم هر روز/ دانه‌ای می‌کارم/ باغ سرسبز دلم/ هست خیلی کوچک/ پر ز گل‌های قشنگ/ با هم، اما تک تک/ یک گل از آن گل‌ها/ گلی از مهر خداست/ گل دیگر مادر/ گل دیگر باباست. (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۱۴)

در شعر بالا، اغراق توأم با نمادسازی است.

تشابه یا نسبتی که چیزی را به نمادش می‌پیوندد، ممکن است انواع مختلف داشته باشد؛ از قبیل: مشابهت در شکل و صورت و رنگ و صدا و تماس و قربت و مجاورت در مکان و زمان و متفقاً به ذهن و فکر متبادر شدن یا همانندی احساسات مقارن (احساس توقیر و احترام واحدی، ممکن است تصور

پدر و اندیشه‌ی خدا را به هم نزدیک و مربوط کند). رابطه‌ی اخیر بسیار مهم است؛ زیرا بنابر آن، هرچیز ممکن است نماد چیزی شود؛ به شرطی که احساس، صیغه‌ی مشترکی میان آن دو بیابد. (ستاری، ۱۳۸۷: ۱۴)

در شعر بالا نیز، احساس تشابه در زیبایی، لطافت، محبت و معانی‌ای از این قبیل، باعث شده است که کودک، گل را نماد خدا، پدر و مادر قرار دهد و به این ترتیب در عالم ناخودآگاه، از اغراق استفاده کند؛ به بیانی بهتر، کودک حس محبت، لطافت و زیبایی و.. را به صورت مشترک در گل و پدر و مادر خویش یافته است. (محرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵)

۳- نتیجه‌گیری

اغراق، ابزار هنری مفید در راستای رشد عاطفی، و پلی میان زبان شاعرانه و ذهن کودکانه است. اغراق در شعر کودکان، حاصل تصویرآفرینی و فضاسازی هنری است که هم‌سو با نگرش و جهان‌بینی آن‌هاست و بر فرآیند رشد شخصیتی و شناختی کودکان تأثیر مثبت گذاشته، و پویایی ذهنی آن‌ها را به همراه دارد؛ لذا شاعر در توصیف اغراق‌آمیز، تا حدّ توان، نشانی از تجربه‌های شخصی بزرگ‌سالی خود در شعر نمی‌گذارد و محیط را از دریچه‌ی چشم مخاطبان می‌نگرد؛ بنابراین اغراق، علاوه بر اینکه سبب رشد ذوق زیبایی‌شناسی کودک می‌شود؛ ارزش‌های اخلاقی را به کودکان انتقال می‌دهد؛ عواطف، احساسات و تفکر کودکان را بر می‌انگیزد و ابزار هنری مفید در راستای تحقق نیازهای رشدی و روان‌شناختی است؛ این ابزار، با ویژگی‌هایی همچون ایجاد پرورش تفکر انتقادی، تقویت حافظه و کمک در درک مفاهیم انتزاعی، می‌تواند در فرآیند رشد شخصیتی و یادگیری کودکان تأثیر مثبت گذاشته، و پویایی ذهن مخاطبان را به همراه داشته باشد؛ همچنین نوع نگرش کودک به دنیای پیرامونی را دچار دگرگونی کند؛ و به تبع آن، کودک را برای بروز احساسات و ایجاد ارتباط عاطفی آماده سازد. برای رسیدن به این هدف، کاربرد اغراق در شعر کودک باید متناسب با سطح درک کودک باشد تا مفاهیم در درون کودک نهادینه گردد.

منابع

- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۲)، *آواز پوپک*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۴)، *بوی نان تازه*، تهران: انتشارات حوزه هنری.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۵)، *خدا چه مهربان است*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۷۷)، *شکوفه‌های شعر*، تهران: کتاب‌های شکوفه.
- امانی، غفور و فریده آذر نوید. (۱۳۸۳)، *ادبیات کودکان و نوجوانان*، اردبیل: نیما کتیبه.
- پور نامداریان، تقی (۱۳۷۴)، *سفر در مه*، تهران: زمستان.
- پولادی، کمال (۱۳۸۷)، *بنیادهای ادبیات کودک*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پیاژه، ژان (۱۳۸۲)، *شکل‌گیری نماد در کودکان*، ترجمه زینت توفیق، تهران: نشر نی.
- رحمان دوست، مصطفی (۱۳۸۹)، *دوستی شیرین است*، تهران: انتشارات مدرسه.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه و حسین بردخونی (۱۳۹۴)، «بررسی، نقد و سیر شعر معاصر کودک و نوجوان در ایران». *فصلنامه‌ی تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال هشتم شماره، شماره پیاپی ۲۸، صص ۲۲۶-۲۴۶.
- زندن، وندر و جیمز دبلیو (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی رشد (اوا)*، ترجمه‌ی دکتر حمزه گنجی، تهران: انتشارات بعثت.
- ستاری، جلال (۱۳۸۷)، *اسطوره و رمز*، تهران: سروش.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷)، *از این باغ شرقی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سمیعی، احمد (۱۳۸۲)، *نگارش و ویرایش*، تهران: انتشارات سمت.
- شجاعی، مهری (۱۳۸۹)، *تحلیل روانشناختی ادبیات کودک و نوجوان در آثار هوشنگ مرادی کرمانی و مصطفی رحمان دوست*، دانشگاه محقق اردبیلی: پایان‌نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد.
- شریفی، شهلا و زهرا حامدی شیروان (۱۳۸۹)، «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زیباشناسی شناختی»، *دو فصلنامه‌ی تفکر و کودک*، سال اول، شماره‌ی دوم، صص ۳۹-۶۳.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، *ادبیات کودکان*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۹۱)، *بادبادک و کلاغه*، مشهد: به نشر.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۵)، *پولک ماه*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۷۹)، *رنگین کمان کودکان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه (۱۳۹۲)، *هر کی یه رنگی داره*، تهران: کتابهای شکوفه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگه.
- صرفی، محمدرضا و فاطمه هدایتی (۱۳۹۲)، «نماد و نقش مایه‌های نمادین در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس»، *نشریه‌ی ادبیات پایداری دانشگاه باهنر کرمان*، سال چهارم، شماره هشتم، صص ۷۳-۸۹.

- قاسم‌نیا، شکوه (۱۳۹۲)، *مامان می‌خوام بخوابم*، تهران: کتاب‌های بنفشه.
- قزل‌ایاغ، ثریا (۱۳۹۲)، *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*، تهران: انتشارات سمت.
- کشاوری، ناصر (۱۳۹۱)، *از برگ گل بهتر*، تهران: سروش.
- کشاوری، ناصر (۱۳۹۴)، *فرشته‌ای از آسمون*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۲)، *طوطی سبز هندوستان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کیانوش، محمود (۱۳۹۳)، *بچه‌های جهان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محرمی رامین، خدابخش اسداللهی، شکرالله پورالخاص و پیام فروغی‌راد (۱۳۹۶)، *بررسی نماد روانشناختی در شعر کودک*، نشریه‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، سال هشتم، شماره اول.
- محمدبیگی، ناهید (۱۳۸۹)، *رازکاوی ادبیات کودک و نوجوان (تحلیل محتوایی کودک - قصه و شعر از سال ۱۳۸۵-۱۳۰۰)*، تهران: انتشارات ترفند.
- منصور محمود و پریخ دادستان (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی ژنتیک*، تهران: انتشارات بعثت.
- نورتون، دونا (۱۳۸۲)، *شناخت ادبیات کودک*، گونه‌ها و کاربردها از روزنه چشم کودک، تهران: ستاره سبز.
- نجفی بهزادی، سجاد، مهری قهفرخی، معصومه و علیخانی، زیبا. (۱۳۹۸). «نقد و بررسی برخی از حکایت‌های بازنویسی شده عطار برای نوجوانان». *فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی‌شناسی متون*، 2(1), 33-54.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*، تهران: نشر دوستان.

